

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره چهاردهم - تابستان ۱۳۸۶
صص ۱۲۴ - ۱۰۷

مقایسه هوش هیجانی دانش آموزان تیزهوش و عادی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی

هایده خلیلی آذر^۱

چکیده

هوش هیجانی یکی از سازه‌های نوظهور در گستره علم روان‌شناسی است که پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است و رابطه آن با هوش شناختی و پیشرفت تحصیلی یکی از این حوزه‌های پژوهشی است. در همین راستا پژوهش حاضر در قالب یک طرح پس‌رویدادی به بررسی مقایسه‌ای میزان هوش هیجانی در دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی مقطع پیش‌دانشگاهی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی یکی از مناطق شهر تهران پرداخته است. نمونه ۱۲۰ نفری شامل ۶۰ دانش‌آموز تیزهوش (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) و ۶۰ دانش‌آموز عادی (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) است. ابزار سنجش میزان هوش هیجانی، آزمون هوش هیجانی بار-آن و معدل سال تحصیلی گذشته دانش‌آموزان، ملاک پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها بوده است. فرضیه‌های اصلی به تفاوت هوش هیجانی در دو گروه تیزهوش و عادی از یکسو و ارتباط هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی معطوف بود. براساس نتایج به‌دست آمده

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی مشاهده نشد. همچنین بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی نیز رابطه معناداری به‌دست نیامد؛ بنابراین فرضیه‌های پژوهش در نمونه مورد بررسی تأیید نگردید. بر اساس یافته دیگر پژوهش، میزان هوش هیجانی در دختران بالاتر از میزان هوش هیجانی در پسران است. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بعدی در جامعه آماری وسیع‌تری انجام گیرد و از سوی دیگر، اولویت‌های هیجانی تربیت مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

کلید واژه‌ها: هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی، کودکان عادی و تیزهوش

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین مسائل زندگی نوین امروزی، حل مسائل و مشکلات انسانی است. فرهیخته^۱ (تحصیل‌کرده) بودن در فرهنگ امروزی یعنی فاضل، مسؤول و دلسوز بودن. چنین بیانی هم مهارت‌های عقلانی (IQ) و هم مهارت‌های اجتماعی و هیجانی (EQ) را به ذهن متبادر می‌سازد. پس به نظر می‌رسد دیگر صرف تبحر در تکالیف مدرسه‌ای ملاک قضاوت‌های بیرونی نیست. دلایل این امر فراوان است، اما هیچ‌کدام بیشتر از آنچه در مورد کارکرد مغز، حافظه انسانی، تفاوت بین آموختن برای عملکرد و آموختن با هدف معاش زندگی روزمره آموخته‌ایم، قانع‌کننده نیستند، زیرا عوامل اجتماعی و هیجانی نیز در این عرصه نسبت به حل مسائل و مشکلات فنی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (کیاروچی و همکاران، ترجمه نجفی زند، ۱۳۸۵). از این‌رو افراد ناگزیرند مشکلات انسانی را خیلی بهتر از مشکلات فنی حل کنند. هوش هیجانی^۲ می‌تواند حداقل برخی از مشکلات زندگی انسان امروزی یعنی «تعارض بین آنچه انسان احساس می‌کند و آنچه بدان فکر می‌کند» را حل و فصل نماید. هوش هیجانی به دلیل اینکه مفهوم سنتی هوش و روشهای اندازه‌گیری آن را زیر سؤال برده و در مورد سودمندی و موفقیت‌آمیز بودن آن اشکال‌های جدی وارد کرده بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از نویسندگان نشریات درباره تواناییهای بالقوه هوش هیجانی و تأثیرات آن بر زندگی عادی و روزمره انسان قلم‌فرسایی کرده‌اند. در ادامه چنین روندی، مخاطبان به این باور رسیده‌اند که هوش هیجانی سبب افزایش میزان سلامتی، بهزیستی، موفقیت و عشق می‌شود. در مورد این ادعاها و بلندپروازی‌ها ضروری است تا بررسیهای

1- Educated

2- Emotional intelligence

دقیق و علمی انجام گیرد. در همین راستا، هوش هیجانی در سه دهه گذشته به‌عنوان یکی از متداول‌ترین محورهای پژوهشی در حوزه‌های علوم رفتاری مورد مطالعه متخصصان واقع شده است. این پژوهش نیز بررسی علمی این حوزه نوظهور روان‌شناسی را ضروری می‌داند، بنابراین پژوهشگر مفهوم «هوش هیجانی» را به‌عنوان یکی از متغیرها وارد طرح پژوهشی نموده است.

بحث هوش هیجانی در سالهای پایانی قرن بیستم مطرح گردید. بر اساس این مفهوم اندیشه و هیجان آن‌گونه که قبلاً فرض می‌شد، جدای از هم نیستند. هوش هیجانی آخرین تحول و مفهوم‌سازی مهم در فهم ارتباط بین فکر و هیجان است. برخلاف عقاید پیشین، بهترین و منحصر به‌فردترین کمکی که این مفهوم انجام داده، این است که هیجان‌ها و افکار را با هم سازگار می‌داند و آنها را به شکل هوشمندانه‌ای با هم ترکیب می‌کند. هوش هیجانی آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین‌فردی است. هوش هیجانی در جهت مهار هیجان‌ها در مناسبات بین‌فردی به کار می‌آید. همچنین در فرد ایجاد انگیزه می‌کند تا نیروهای درونی خود را در مسیر موفقیت به حرکت در آورد (گلمن^۱، ۱۹۹۵).

کوپر و ساواف^۲ (۱۹۹۷) هوش هیجانی را برحسب دانش اولیه هیجانی^۳، تناسب هیجانی^۴، عمق هیجانی^۵ و کیمیاگری هیجانی^۶ تعریف کرده‌اند. مراد از دانش اولیه هیجانی دانشی است که فرد از ماهیت و کنش‌وری احساسات خود دارد. تناسب هیجانی، انعطاف‌پذیری و شدت احساسات و هیجان‌ها است. عمق هیجانی، استعدادی برای رشد و تقویت یا عمق بخشیدن به هیجان‌ها و کیمیاگری هیجانی، توانایی استفاده از احساسات و هیجان‌ها برای خلاقیت است. نخستین اصل هوش هیجانی این است که بنیاد تمام یادگیری‌های اصیل و پایدار و مراقبت از روابط است. لحظه‌ای تأمل در تجارب تحصیلی خودمان، حقیقت بنیادی این عقیده را آشکار می‌نماید. همه ما در شرایط سخت آموزش دیده‌ایم، اما آن بهترین راه فراهم ساختن یادگیری منظم و بادوام

1 - Goleman
3 - Emotional Literacy
5 - Emotional depth

2 - Cooper & Sawaf
4 - Emotional fitness
6 - Emotional alchemy

نیست و نیاز است که نظام آموزش و پرورش را با چنین واقعیتی منطبق ساخت (کیاروچی و همکاران، ترجمه نجفی زند، ۱۳۸۵).

هوش هیجانی که در حقیقت در سال ۱۹۹۵ به عنوان اکسیر پیشرفت شناسایی شد، بهره هوشی پوشاننده جنبه‌های شناختی ذهن بود و بیش از حد مکانیکی، منطقی و ریاضی بودن آن روان‌شناسان را می‌آزرد. پس آیا این دفتر باید بسته شود و شروع هزاره‌ای دیگر مقارن با گشایش دفتر هوش هیجانی شود؟ البته کسانی که برای اولین بار و به‌طور علمی این مفهوم را پیشنهاد دادند، هیچ‌گاه چنین ادعایی نداشته‌اند. مایر، کاروسو و سالووی^۱ (۱۹۹۹) بیان می‌کنند، ما هیچ‌گاه مدعی نبوده‌ایم که هوش هیجانی به اندازه هوش شناختی و یا حتی بیشتر از آن قادر به پیش‌بینی موفقیت در زندگی است، بلکه معتقدیم که هوش شناختی به عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده معتبر برای موفقیت تحصیلی و برخی اوقات برای موفقیت شغلی است. پس تفکیک دغدغه‌های غیرعلمی و گمانه‌زنی‌های علمی در خصوص هوش هیجانی از سوی روان‌شناسان وظیفه‌ای خطیر به حساب می‌آید. این پژوهش نیز به دنبال چنین رسالتی شکل گرفته است و سعی دارد یکی از این گمانه‌زنی‌های علمی را بیازماید. البته چنین گمانه‌زنی‌هایی بی‌بهره از پشتوانه‌های نظری نیست. چنانکه الیاس و همکاران در فصل هشتم کتابی از کیاروچی و همکاران، (ترجمه نجفی زند، ۱۳۸۵) به صورت اختصاصی به مبحث هوش هیجانی و آموزش و پرورش پرداخته‌اند. آنها در انتهای آن فصل بیان می‌کنند که هوش هیجانی در حال حاضر جایگاه غیر قابل انکاری در آموزش و پرورش یافته است. علاوه بر این معتقدند نظریه هوش هیجانی گویای این است که مدارس به‌عنوان یگانه نهاد یادگیری می‌باید بر مبنای آموزگاران و مدیران با هوش هیجانی بالا و کاربست آن و بهره‌گیری والدین از هوش هیجانی در برخورد با فرزندان بنا شوند.

به این ترتیب روان‌شناسی به شناسایی و دستیابی ابزارهایی برای ارتباط بین هیجان و شناخت دست می‌یابد و جالب آنکه شفاف‌تر شدن هر چه بیشتر این زمینه جدید اهمیت روزافزون هوش هیجانی در زندگی روانی آدمی را مشخص‌تر و روشن‌تر می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که چنانچه قرار است کودکان ما، بزرگسالانی شوند که در خانواده، محل کار و اجتماع مؤثر باشند و با احتمال بیشتر سلامت جسمی

1- Mayer & Caruso & Salovey

و روانی مثبتی را تجربه کند، هوش هیجانی و مهارت‌های هیجانی - اجتماعی در کنار مهارت‌های علمی ضروری هستند. این موضع، زمینه مهیجی برای پژوهش‌های آینده به نظر می‌رسد.

لزوم پژوهش در خصوص هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی و تیزهوش از نظر تأثیر هوش هیجانی در زندگی هر فرد آشکار است. بررسی هوش هیجانی نشان می‌دهد که این پدیده در زندگی فردی و جمعی، بسیار تأثیرگذار بوده و زمینه‌های پیشرفت و موفقیت را نشان می‌دهد.

به دلیل آنکه هوش هیجانی، توانایی درک، توصیف، دریافت و مهار هیجان‌ها را دارد و وقایع زندگی ممکن است مثبت یا منفی باشند؛ وقایعی خوشایند و مسرت‌بخش چون ازدواج و به‌دست آوردن شغلی خوب تا وقایعی مصیبت‌بار چون از دست دادن یکی از اعضای خانواده و یا از دست دادن شغلی مناسب یا شکست مالی، در نحوه برخورد با هر یک از این وقایع و سازگار شدن با آنها نقش اساسی دارد (کیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱). در این حالت برخورداری از میزان بهینه‌ای از هوش هیجانی کارگشا بوده و باعث صرف کمترین هزینه روانی در وقایع منفی و به دست آوردن بیشترین نفع از وقایع مثبت می‌گردد.

در واقع هوش هیجانی در بردارنده آن دسته از تواناییهایی است که آدمی با آن محیط اجتماعی پیرامون خود را بنا می‌کند. از این رو هر یک از افراد با بهره‌گیری از هوش هیجانی در زندگی روزمره و طی روابط عادی، رسمی و صمیمانه خود با دیگران، فضاها و زندگی متفاوتی را ایجاد کرده و نوع و ترتیب اولویت‌ها و رویدادهای زندگی خود را بر این اساس، پایه‌ریزی می‌کنند. اگر برای حل مسائل ریاضی یا فراگیری یک زبان، بهره هوشی پیش‌قدم است به‌طور یقین در زندگی اجتماعی، پرچم به‌دست هوش هیجانی داده می‌شود (بار-آن و پارکر، ۲۰۰۰). برخی نویسندگان چنین تفکیکی بین حوزه اثربخشی هوش شناختی و هوش هیجانی را قبول ندارند. آنها معتقدند هوش هیجانی حوزه گسترده‌ای از فعالیتها را پیش‌بینی می‌کند، که موفقیت تحصیلی یکی از آنهاست (گلمن، ۱۹۹۵). بنابراین پژوهشگر با وجود چنین اختلاف نظرهایی، انجام پژوهشی را برای پاسخگویی به این سؤال که آیا هوش هیجانی همچون هوش شناختی، پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند، ضروری می‌داند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۲- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۳- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۴- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد.

پیشینه پژوهش

در زمینه رابطه هوش هیجانی و کسب موفقیت در مواردی چون موفقیت شغلی، تحصیلی، روابط بین‌فردی و خانوادگی تحقیقات چندی صورت گرفته که در اینجا به تعدادی اشاره می‌شود.

زارع (۱۳۸۰) در ایران برای اولین بار رابطه هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی را ارزیابی کرد و همبستگی بالایی (۰/۶۸) را بین این دو به دست آورد. وی نتیجه گرفت که ۴۸ درصد از واریانس کلی موفقیت تحصیلی را هوش هیجانی پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این او دریافت که همبستگی ناچیزی بین هوش هیجانی و بهره هوشی (۰/۹) وجود دارد. منصور (۱۳۸۰) نیز به بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی پرداخت و همبستگی ناچیزی (۰/۱۹) بین این دو یافت.

حکیم جوادی و اژه‌بی (۱۳۸۳) در بررسی خود نشان داد که دختران در خصوصیات مانده مواجهه، حرمت خودپایدار، خود شکوفایی، سازه هوش هیجانی بالاتر از پسران هستند. به عبارت دیگر دختران در هنگام دشواری و مقابله بهتر از پسران عمل می‌کنند و مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند. علاوه بر این دختران روابط بین‌فردی بیشتر و مستحکم‌تری برقرار می‌کنند و در جهت خود شکوفایی به پیش می‌روند که بعدها به شکل مقاومت مادرانه در عرصه زندگی نمایان می‌شود.

اسدی (۱۳۸۴) در بررسی خود بر روی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین هوش هیجانی و هوش متعارف وجود ندارد. در همین پژوهش دختران و پسران در میزان هوش هیجانی تفاوت جزئی نشان دادند و میانگین هوش هیجانی دختران تا حدودی از پسران بالاتر بود. اما آزمون t مستقل در بین دختران و پسران معنادار نبود.

سیجبرگ^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه خود درباره رابطه بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی دریافت که هوش هیجانی دارای همبستگی مثبت با رضایت از زندگی است ($r=0/55$)، اما همبستگی قابل توجهی بین هوش هیجانی و بهره هوشی یافت نشد ($r=0/15$).

آستین^۲ و همکاران (۲۰۰۵) با پژوهشی در انگلستان همبستگی مثبتی بین نمرات هوش هیجانی با عملکرد امتحان دانشجویان سال اول پزشکی یافتند. مدل معادلات ساختاری، تأثیر مستقیم جنسیت و هوش هیجانی را در عملکرد امتحان به دست داد. طبق یافته‌های این پژوهش، هوش هیجانی نقش واسطه‌ای بین جنسیت و عملکرد امتحان نشان داد. بدین صورت که دخترها نمرات بالاتری به دست آوردند. این پژوهشگران بررسیهای گسترده‌تری را درباره ارتباط هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی ضروری دانسته‌اند.

چان^۳ (۲۰۰۵) نشان داد هوش هیجانی بر ادراک دانش‌آموزان تیزهوش از خلاقیت خود تأثیر مستقیم دارد. البته این پژوهش اثر تعاملی تیزهوشی و هوش هیجانی بر این ادراک را بررسی نکرده است.

پیتیدز^۴ و همکاران (۲۰۰۴) در بررسی دانش‌آموزان بریتانیایی نتیجه گرفتند هوش هیجانی ارتباط بین تواناییهای شناختی و عملکرد تحصیلی را تعدیل می‌نماید. آنها بر این باورند که چرخه تواناییها و آمادگی‌های ادراک شده مرتبط با هیجان که هوش هیجانی را نیز در برمی‌گیرد بر عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارد.

پارکر و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند افراد برخوردار از هوش هیجانی بالاتر در انتقال از دبیرستان به دانشگاه موفق‌تر بودند. آنها نتایج را این‌گونه تبیین کردند که افراد با هوش هیجانی بالاتر با تنظیم هیجان خود، پافشاری بیشتری به هدف داشتند، از این‌رو موفقیت بیشتری کسب کردند.

لی پاج-لیس^۵ (۱۹۹۷) به بررسی هوش هیجانی زنانی که مدارج تحصیلی بالایی را طی کرده بودند پرداخت و گزارش داد که این افراد از هوش هیجانی بالایی برخوردارند و این ویژگی را افراد دیگر در آنان تقویت می‌کنند.

1 - Sjoberg

2 - Austin

3 - Chan

4 - Petridz

5 - Lefpge- Less

نوسام، دای و کاتونو^۱ (۲۰۰۰) رابطه هوش هیجانی، توانایی شناختی و خصوصیات شخصیتی با پیشرفت تحصیلی را بررسی کردند. برای این منظور ۱۸۰ دانشجوی ۱۷ تا ۵۶ ساله به صورت تصادفی انتخاب شدند. هوش هیجانی در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه بار-آن مورد سنجش قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد هم توانایی شناختی و هم برخی از خصوصیات شخصیت مثل برونگرایی و خود کتتری با پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار داشتند، اما هوش هیجانی با پیشرفت رابطه‌ای نداشت.

مایر، پرکینس، کاروسو و سالووی^۲ (۲۰۰۱) به بررسی هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش پرداختند. آنها نشان دادند دانش‌آموزانی که هوش هیجانی بالاتری دارند در شناخت احساسات خود و دیگران و استفاده از این شناخت در هدایت رفتار افراد و مقاومت فشار همسالان توانایی بیشتری دارند. همه این عناصر به افزایش مهارت‌های اجتماعی افراد منجر می‌شود.

روش

این پژوهش از نوع پس‌رویدادی (علی-مقایسه‌ای) است. روش‌های علی-مقایسه‌ای یا روش‌های پس‌رویدادی معمولاً به پژوهش‌هایی گفته می‌شود که طی آنها پژوهشگر با در نظر گرفتن متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد.

دلور (۱۳۸۰) و هومن (۱۳۷۴) نیز معتقدند که گرچه اساساً روش علی-مقایسه‌ای یا پس‌رویدادی برای تحقیق در روابط علمی به کار می‌رود، اما از آن روش می‌توان برای تعیین اثر اختلاف‌های مشاهده شده در بین گروه‌ها یا به عبارت دیگر به منظور مقایسه دو یا چند گروه استفاده کرد.

در این پژوهش نیز تیزهوش و عادی بودن به عنوان متغیر مستقل، متغیری خصیصه‌ای است که بر اساس آنها دو گروه مقایسه ایجاد می‌گردد و هوش هیجانی به عنوان متغیر وابسته، بررسی می‌شود.

جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی مدارس تیزهوش و عادی شهر تهران است که در سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵ ثبت نام کرده‌اند.

1- Newsome & Day & Catano

2 - Mayer, Perkins, Caruso & Salovey

نمونه پژوهش ۱۲۰ نفر و بر اساس جدول کوهن (۱۳۸۶)، به نقل از سرمد و همکاران، (۱۳۸۰) انتخاب شده است. نمونه دانش‌آموزان تیزهوش به تعداد ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) به صورت چند مرحله‌ای از دبیرستانهای علامه حلی و فرزندگان شهر تهران انتخاب شده است.

نمونه دانش‌آموزان عادی به تعداد ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) به صورت تصادفی از دبیرستانهای دولتی منطقه ۳ تهران انتخاب شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری

آزمون هوش هیجانی بار-آن

در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان هوش هیجانی از مقیاس بار - آن (۱۹۹۷) استفاده می‌شود. این پرسشنامه ۱۳۳ سؤال دارد. این مقیاس به زبانهای اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی و سواحیلی ترجمه شده و در کشورهای آمریکا، کانادا، آفریقای جنوبی، آرژانتین، شیلی، انگلستان، هلند، مکزیک، فیلیپین، سوئد و کره جنوبی اجرا شده است که نشان از نتایج مشابه در فرهنگهای مختلف دارد.

اعتبار^۱ درونی آزمون در ۹ مطالعه متفاوت نشان از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ داشته است. در سنجش اعتبار با استفاده از شیوه آزمون - باز آزمون در یک و چهار ماه بعد، برای یک ماه بعد ارزشها ۰/۷۸ تا ۰/۹۲ و برای چهار ماه بعد بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۲ بوده است.

در تعیین روایی^۲، این مقیاس با MMPI-۲، سیاهه شخصیت آیزنک و پرسشنامه افسردگی بک همبستگی نشان داده است. اعتبار پیش‌بین این مقیاس نشان می‌دهد که بین این آزمون و انجام شغل، رضایت شغلی و موفقیت در دانشگاه نظامی ارتباط وجود دارد.

مؤلفان آزمون به منظور تعیین اعتبار و دستیابی به تأیید تجربی بر یافته‌های نظری خود به تحلیل عوامل اکتشافی و تأییدی متوسل گردیدند و در نهایت به ۱۰ عامل زیر دست یافتند:

توجه به خویشتن، روابط بین‌فردی، کنترل تکانه، حل مشکل، آگاهی از عواطف، انعطاف‌پذیری، واقعیت‌آزمایی، شکیبایی در برابر استرس، ابراز وجود و همدلی (بار-آن و پارکر ۲۰۰۰).

در ایران دهشیری (۱۳۸۱) به هنجاریابی این آزمون بر روی نمونه ۵۲۰ نفری دانشجویان دانشگاه پرداخت و در جهت تعیین روایی آزمون با استفاده از روش بازآزمایی، بعد از یک ماه ضریب ۰/۷۳ و با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ضریب ۰/۷۳ دست یافت. در جهت تعیین اعتبار، او به هشت عامل دست یافت و در هنجاریابی او، دختران دانشجو به نحو معناداری نمره‌های بالاتری در هوش هیجانی به دست آوردند.

روش جمع‌آوری داده‌ها

به منظور جمع‌آوری داده‌های خام این پژوهش، پژوهشگر با هماهنگی مسئولان مدارس در کلاس دانش‌آموزان حاضر می‌شد. او مقدمه‌ای از اهداف پژوهش را به صورت ضمنی توضیح می‌داد و سپس نحوه پاسخ‌دهی به سؤالات شرح داده می‌شد. آنگاه آزمون‌ها بین دانش‌آموزان توزیع می‌گردید و از آنان خواسته می‌شد به سؤالات پاسخ گویند و چنانچه سؤالی برای آنها مبهم به نظر می‌رسد از پژوهشگر بپرسند. پژوهشگر در طول اجرای پرسشنامه‌ها بر پاسخ‌دهی دانش‌آموزان نظارت داشت و در صورت لزوم با ارائه توضیحات کافی به سؤالات آنها پاسخ می‌گفت و اشکالات آنها را رفع می‌کرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در مرحله توصیفی جدول فراوانی، نمودارها و نمایش درصدها، میانگین و انحراف معیار ارائه می‌گردد. در مرحله استنباط آماری داده‌ها از آزمون t مستقل و همبستگی پیرسون استفاده خواهد شد.

این پژوهش بر پایه مقایسه هوش هیجانی بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی مدارس منطقه ۳ شهر تهران انجام گرفت. برای اندازه‌گیری میزان هوش هیجانی از پرسشنامه هوشبهر هیجانی بار-آن (فرم ۱۳۳ سؤالی) استفاده گردید. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس معدل کل سال گذشته آنان محاسبه و وارد تحلیل‌های آماری پژوهش گردید. مدارس که به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفتند از جانب آموزش و پرورش منطقه ۳ معرفی شدند و پژوهشگر دانش‌آموزان را در مدرسه به صورت تصادفی انتخاب کرد. داده‌ها پس از گردآوری برای آماده‌سازی و انجام تحلیل‌های آماری وارد نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) گردید. در مرحله اول می‌باید توصیف آماری داده‌ها انجام می‌گرفت که این روند با استفاده از شاخص‌های فراوانی، میانگین و انحراف معیار صورت پذیرفت. سپس برای آزمون فرضیه‌ها و مقایسه

دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از آزمون t دو گروه مستقل بهره گرفته شد. برای بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی از تحلیل‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی دو متغیری استفاده شد.

جدول ۱- تعداد نمونه آماری مورد بررسی به تفکیک جنسیت آزمودنی‌ها

جنسیت	پیش‌دانشگاهی		جمع
	عادی	تیزهوش	
دختر	۳۰	۳۰	۶۰
پسر	۳۰	۳۰	۶۰
جمع	۶۰	۶۰	۱۲۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد تعداد آزمودنی‌های نمونه پژوهش ۱۲۰ دانش‌آموز است که از این تعداد ۳۰ دختر تیزهوش، ۳۰ پسر تیزهوش، ۳۰ دختر عادی و ۳۰ پسر عادی می‌باشد. تمامی این آزمودنی‌ها از مقطع پیش‌دانشگاهی بودند.

جدول ۲- شاخص‌های آماری هوشبهر هیجانی دو گروه دانش‌آموزان مدارس عادی و تیزهوش

نوع مدرسه	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	درجه آزادی	t مستقل	سطح خطا	P
تیزهوش	۳۹۶/۴	۱۵/۹۲						

آزمون فرضیه اول: بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

با توجه به اطلاعات جدول ۲ چون t محاسبه شده (۰/۵۵) از t جدول با درجه آزادی ۱۱۸ (۱/۹۸) کوچکتر است، بنابراین دلایل کافی برای تأیید فرضیه پژوهشی وجود ندارد و فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت در پژوهش حاضر تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دانش‌آموزان مدارس عادی و تیزهوش مشاهده نگردید.

جدول ۳- شاخص‌های آماری هوشبهر هیجانی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

P	سطح خطا	t مستقل	درجه آزادی	تفاوت میانگین	انحراف معیار	شاخص‌ها	
						میانگین	جنسیت
P<۰/۰۵	۰/۰۵	۲/۱۰	۱۱۸	۹/۵۸	۱۴/۹۱	۳۹۳/۳۵	پسر
						۴۰۲/۹۳	دختر
					۱۴/۴۹		

آزمون فرضیه دوم: بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به اطلاعات جدول ۳ چون t محاسبه شده (۲/۱۰) از t جدول با درجه آزادی ۱۱۸ (۱/۹۸) بزرگتر است، بنابراین دلایل کافی برای تأیید فرض صفر وجود ندارد و فرضیه پژوهشی پذیرفته می‌شود. یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت در پژوهش حاضر تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر مشاهده گردید و هوش هیجانی دختران بیشتر از پسران است.

جدول ۴- میزان همبستگی پیشرفت تحصیلی و هوشبهر هیجانی دانش‌آموزان تیز هوش

سطح خطا	t همبستگی	مقدار همبستگی	تعداد	شاخص‌ها	
				متغیرها	
۰/۲۸	۱/۰۲	۰/۱۴	۶۰	هوشبهر هیجانی و	پیشرفت تحصیلی

آزمون فرضیه سوم: بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیز هوش و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

براساس یافته‌های جدول ۴ چون t همبستگی محاسبه شده (۱/۰۲) از t جدول (۲/۰۰) کوچکتر است، بنابراین دلایل کافی برای تأیید فرضیه پژوهشی وجود ندارد و فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت در پژوهش حاضر رابطه معناداری بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش مشاهده نگردید.

جدول ۵- میزان همبستگی پیشرفت تحصیلی و هوشبهر هیجانی دانش‌آموزان مدارس عادی

متغیرها	شاخص‌ها	تعداد	مقدار همبستگی	t همبستگی	سطح خطا
هوشبهر هیجانی و پیشرفت تحصیلی		۶۰	۰/۲۷	۱/۴۲	۰/۰۵

آزمون فرضیه چهارم: بین هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

بر اساس یافته‌های جدول ۵ چون t همبستگی محاسبه شده (۱/۴۲) از t جدول (۲/۰۰) کوچکتر است، بنابراین دلایل کافی برای تأیید فرضیه پژوهشی وجود ندارد و فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت در پژوهش حاضر رابطه معناداری بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی مشاهده نگردید.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی حاضر بر پایه مطالعه تفاوت هوش هیجانی در دو گروه دانش‌آموزان عادی و تیزهوش شکل گرفت. براساس یافته‌ها میزان هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی و تیزهوش تفاوت معناداری نشان نداد. میزان پیشرفت تحصیلی این دو گروه تفاوت معناداری دارد. از سوی دیگر تفاوت هوشبهر هیجانی در دختران و پسران تفاوت معناداری نشان داد و هوشبهر هیجانی دختران بالاتر است. در اینجا به بررسی فرضیه‌های پژوهشی براساس یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.

۱- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد.

براساس یافته‌های مطالعه حاضر، تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی مشاهده نشد. بنابراین فرضیه اول این پژوهش تأیید نمی‌شود. پس هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی و تیزهوش در پژوهش حاضر متفاوت نیست.

این یافته‌ها با بررسی خلیل ارجمندی (۱۳۸۳)، سیجبرگ (۲۰۰۱)، نوسام، دای و کاتونو (۲۰۰۰) و بویسه (۲۰۰۲) همسو است. از سوی دیگر با پژوهش مایر، پرکینس، کاروسو و سالووی (۲۰۰۱) و زارع (۱۳۸۰) ناهمسو است.

براساس نظریه‌هایی که معتقدند هوش هیجانی لزوماً جایگزین هوش شناختی نیست، می‌توان این یافته‌ها را تبیین کرد. این نظریه‌ها معتقدند هوش هیجانی برخی از موفقیت‌های زندگی را پیش‌بینی می‌کند. موفقیت‌هایی که لزوماً به امور تحصیلی نمی‌شود. از این رو تیزهوشان نیز که در تحصیلات رسمی موفق‌اند به دلیل بالا بودن هوش شناختی آنان است و لزومی ندارد که هوش هیجانی آنان نیز بالا باشد. این حالت نه ارزش هوش شناختی را نفی می‌کند و نه اصالت کامل را به هوش هیجانی می‌دهد. پس براساس نظریه‌ها و یافته‌های این پژوهش می‌توان اظهار داشت که بالا بودن هوشبهر (تیز هوشی) لزوماً به معنی بالا بودن هوش هیجانی نیست و این دو توانایی متفاوت‌اند که همدیگر را نیز نفی نمی‌کنند، ولی اگر در کنار هم قرار گیرند همدیگر را تکمیل می‌کنند.

۲- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

براساس یافته‌های به‌دست آمده در این پژوهش، میزان هوش هیجانی دختران بالاتر از پسران است. این تفاوت هم در گروه دانش‌آموزان تیزهوش و هم در دانش‌آموزان مدارس عادی نیز به‌دست آمد. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش کنونی تأیید می‌شود. پس بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و میزان هوش هیجانی دختران بالاتر از پسران است. این یافته با بررسی‌های حکیم جوادی (۱۳۸۳)، اسدی (۱۳۸۴) و لی‌پاچ - لیس (۱۹۹۷) همسو است. همین یافته با بررسی خلیل‌ارجمندی (۱۳۸۳) ناهمسو است.

به نظر می‌رسد دختران به لحاظ برخورداری از احساسات قوی‌تر و اینکه در ابراز احساسات تواناترند روابط اجتماعی خود را در مسیری هوشمندانه‌تر پایه‌ریزی می‌کنند. از همین رو نمرات هوش هیجانی آنها بالاتر به‌دست آمده است. این تفاوت معنادار با توجه به تیزهوشی و عادی بودن آنها نیز تغییر نکرده است. بررسی دقیق‌تر اینکه واقعاً چه بخشی از تفاوت جنسیتی دختران موجب هوشبهر هیجانی بالاتر آنها می‌شود، نیازمند بررسی‌های کنترل شده‌تری است.

۳- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیز هوش و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

براساس یافته‌ها، همبستگی بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش تفاوت معناداری ندارد. پس فرضیه سوم این پژوهش نیز تأیید نمی‌شود. یعنی بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش رابطه‌ای وجود ندارد.

این یافته‌ها با بررسی اسدی (۱۳۸۴)، زایدنر و همکاران (۲۰۰۵) و ویتازوسکی (۲۰۰۱) همسو است. از سوی دیگر این یافته با بررسی تیلام و کربای (۲۰۰۲) و زارع (۱۳۸۰) ناهمسو است. هوش هیجانی قادر به پیش‌بینی تمامی حوزه‌های موفقیت نیست. این یافته حکایت از این دارد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش ناشی از هوشبهر هیجانی آنها نیست و هوش هیجانی مستقل از هوش شناختی است. چنانکه دیگر یافته‌ها مؤید همین نکته است.

۴- بین هوش هیجانی دانش‌آموزان عادی و پیشرفت تحصیلی آنها رابطه وجود دارد. براساس یافته‌های این پژوهش، میزان همبستگی هوشبهر هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مدارس عادی معنادار نیست. لذا فرضیه چهارم این پژوهش تأیید نمی‌گردد. این یافته با مطالعه خلیل ارجمندی (۱۳۸۳) همسو است. از سوی دیگر این یافته با بررسی‌های زارع (۱۳۸۰) و لی‌پاچ - لیس (۱۹۹۷) ناهمسو است.

در مورد فرضیه‌های فوق باید گفت، مطابق با دیگر نتایج این بررسی، هوش هیجانی قادر به پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی نیست. این سازه شاید زمینه‌ساز بروز تواناییهای پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی باشد که البته پژوهش‌های ناهمسوی فرضیه‌های پیش‌گفته مؤید این عقیده‌اند. اما نتایج این پژوهش آشکار می‌سازد که هوش هیجانی مستقل از هوش شناختی است و پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی نیست، چنانکه مطابق آخرین فرضیه حتی در مدارس عادی نیز این نتیجه تکرار شده است.

نتایج این پژوهش به طور کلی همسو با نظریه و اظهارات مایر و همکارانش (۱۹۹۹) می‌باشد که واضعان اولیه هوش هیجانی هستند. آنها معتقدند هوش هیجانی همچون هوش شناختی نوعی توانایی است که بخشی از موفقیت‌های زندگی را پیش‌بینی می‌کند. سلامت روانی، برخی پیشرفت‌های شغلی و پختگی در مهارت‌های اجتماعی از این جمله‌اند. آنها بر این باورند که هوش هیجانی جایگزین هوش شناختی نیست. از سوی دیگر کسانی همچون گلמן (۱۹۹۵) ادعایی خلاف این را دارند که نتایج این بررسی مؤید نظر او نیست. تفاوت هوش هیجانی در دختران بالاتر از پسران به دست آمد که می‌تواند موضوع بررسی‌های آینده گردد.

یافته‌های این پژوهش برای والدین و مسئولان آموزشی این نکته را آشکار می‌سازد که توجه به هوشبهر هیجانی در کنار هوشبهر شناختی ضروری به نظر می‌رسد.

زیرا نتایج نشان دادند صرف تیزهوشی به معنی برخورداری از تواناییهای دیگر از جمله هوش هیجانی نمی‌باشد. لذا ایجاد ساز و کارهایی برای ارتقای هوش هیجانی در کنار بسترسازی شکوفایی هوش شناختی ضروری است که امید است والدین و اولیای مدارس به آن توجه نمایند.

پیشنهاد می‌شود مسئولان مدارس در کنار توجه به مسائل هوش شناختی و تمرکز بر درسهای ریاضی، فیزیک و غیره به جنبه هوش هیجانی دانش‌آموزان نیز توجه داشته باشند و با گنجاندن درس و کارگاههای آموزشی در این زمینه رشد و شکوفایی این بخش از تواناییهای دانش‌آموزان را نیز محقق سازند. در نتیجه فارغ‌التحصیلان مدارس به صورت دانش‌آموختگانی تک بعدی نخواهند بود.

منابع

- اسدی، بختیار. (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه هوش هیجانی، هوش متعارف و سلامت اجتماعی در دانش‌آموزان پیش دانشگاهی شهرستان کامیاران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- حکیم جواد، منصور. (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی»، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- خلیل ارجمندی، فاطمه. (۱۳۸۳)، «مقایسه هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی (از نظر همسالان) و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- زارع، محسن. (۱۳۸۰)، «مطالعه سهم هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- دلاور، علی. (۱۳۸۰)، *روشهای تحقیق در روان‌شناسی*، تهران، ارسباران.
- دهشیری، محمد. (۱۳۸۱). *هنجارگزینی مقیاس هوش هیجانی بار- آن در دانشجویان دانشگاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- سرمد، زهره. عباس بازرگان. الهه حجازی. (۱۳۸۰)، *روشهای تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- کیاروچی، جوزف؛ جوزف. پ. فورگاس؛ جان. د. میبر. (۲۰۰۲) *هوش هیجانی در زندگی روزمره - کتدوکاوی علمی*، ترجمه دکتر جعفر نجفی‌زند، (۱۳۸۵)، تهران، سخن.

منصوری، عطاءالله. (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۷۴)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، پارسا.

Austin, E.J., Evans, P., Gold water, R.S., Potter, V. (2005). A preliminary study of emotional intelligence, empathy and exam performance in first year medical students. *Personality and Individual Differences*, 39(8), 1395 – 1405 .

Bar-on., Parker, J.D.A. (2000). *The hand book of Emotional intelligence*. San Francisco: Jossey - Bass, 92 – 117 .

Bar-on., R (1997). The Bar-on emotional quotient inventory: A Test of emotional intelligence . Toronto, Canada:health system.

Boyce, D.A. (2002). The corrolation of EI, academic success and cognitive ability in master's level Physical therapy students. *Dissertation Abstracts International section B: The science Engineeriag*, 62(12 – B), 56 – 77 .

Chan, D.W. (2005). Selfperceived creativity, Family hardiness, and emotional intelligence of Chinese gifted students in Hang Khong. *Journal of secondary gifted education*, 16(2 – 3), 47 – 56 .

Ciarrochi, J., Forgas, J.P., Mayer, J.D. (2001). *Emotional intelligence in every day life*. New York: Psychology Press, 202 – 226 .

Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.

Lepfge - Less, P. (1997). Exploring patterns of achievment and Intellectual devepment among academically successful woman from disadvantaged backgrounds. *Journal of college student Development*, 38(5), 468 – 478 .

Mayer, J., Perkins, D., Caruso, D., Salovey, P. (2001). Emotional Intelligence and giftedness. *Report Review*, 23(3), 131 – 137 .

Mayer, J.D., Caruso, D., Salovey, P. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27(1), 267 – 298 .

New some, K., Day, M., Catano, L. (2000). The relation of EI with academic intelligence and the Big five, *European Journal of personality*, 16(2), 103 – 125 .

- Parker, J.D. A., Hogan, M.J. Eastabrook, J.M., OKe, A., Wood, L.M. (2006). Emotional intelligence and student retention: Prediction the successful transition from high school to university. *Personality and individual differences*, 1(7), 1329 – 1336 .
- Petides, K.V., Frederichson, N.S., Furnham, A. (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and Individual differences*, 36(2), 277 – 293 .
- Salovey, P., Mayer, J.D., Caruso, D. (2002). *Emotional intelligence: Conceptualization psychology: Interpersonal process* (PP. 279 – 307). Londen: back well.
- Salovey, P., Mayer, J.D. Caruso, D., Sitarenios, G. (2001). Emotional intelligence as a standard intelligence. *Emotional*, 30, 232 – 242 .
- Salovey, P., Mayer, D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and personality*, 9(3), 185 – 211 .
- Sjoberg, B.G. (2001). An examination of EI: Its relationship to achievement and the implications for education. *Dissertation Abstracts International section A: Humanities*, 63(2), 572 .
- Thilam, B.E., Kirby, P. (2002). The contributions of EI to academic achievement and production, (*Social science*), 62(12), 4055 .
- Woitaszewski, S. A. (2001). The contribution of emotional Intelligence to the social and academic success of gifted adolescents as measured by the multifactor emotional intelligence? Scale – adolescent version. *Report Review*, 27(1), 25 – 30 .
- Zeidner, M., Shani - Zinovich, I., Mathews, G.S. Roberts, R.D. (2005). Assessing emotional intelligence in gifted and nongifted highschool students: Outcomes depend in the measure. *Intelligence*, 33(4), 369 – 391 .

تاریخ وصول: ۸۶/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۴/۳۱